

فدوی طوقان و شعر او

دکتر ابوالفضل رضایی
استادیار دانشگاه شهید بهشتی
(از ص ۱۱۹ تا ۱۴۰)

چکیده:

بانوی شاعر فلسطین، فدوی طوقان در سال ۱۹۱۷م. در شهر نابلس دیده به جهان گشود و در سال ۲۰۰۳م. در همان شهر دیده از جهان فروبست. برادرش، ابراهیم طوقان از طلایه‌داران شعر مبارزه در دههٔ چهل قرن بیستم بود. فدوی نزد برادر به فراگیری علوم ادبی و شعر پرداخت. او نخست در قالب کلاسیک، شعرهای رمانتیک می‌سرود. اما با پدید آمدن نسل جدید شعرای مقاومت، مانند درویش و سمیح، او نیز با آنان همصدا شد. او با اشعاری رقیق و لطیف، احساسات پاک خود و هموطنانش را در برابر فاجعهٔ دردناک فلسطین به تصویر کشیده است. او به عنوان یک زن به خوبی توانسته است دردهای ملتش را با نوایی حزن‌انگیز به گوش جهانیان برساند.

واژه‌های کلیدی: فدوی طوقان، فلسطین، شعر مقاومت، صور خیال.

مقدمه:

بی تردید، ادبیات مقاومت فلسطین و به ویژه شعر آن به عنوان یکی از نیرومندترین و زنده‌ترین جریان‌های ادبی معاصر عرب آینه تمام‌نمای دردها و رنج‌ها، پیکار و پایداری و آزادی‌مآلی ستمدیده و آزاده است که شعرای آن از جمله فدوی طوقان، با اراده‌ای آهنین و اشعاری آتشین، همراه و همگام با هموطنان خود به پیکار با دشمن پرداختند و دردهای ملتشان را با نوایی حزن‌انگیز به گوش جهانیان رساندند.

بررسی اشعار یکی از مهم‌ترین شعرای فلسطین، یعنی، فدوی طوقان، در این ادبیات می‌تواند در نوع خود کم‌نظیر و جالب باشد، چرا که پرداختن به ادبیات معاصر عرب، به ویژه شعر آن، همواره مورد بی‌مهری و بی‌توجهی پژوهشگران بوده است. نگارنده در این نوشتار بر آن است تا ضمن معرفی فدوی طوقان و اشاره به جایگاه او در شعر معاصر عرب و فلسطین، به معرفی برخی از ویژگی‌های شعری وی بپردازد.

امید است خوشایند خوانندگان محترم و راهگشای آنان در پژوهش‌های گسترده‌تر باشد.

زندگی و آثار:

فدوی عبدالفتاح آغا طوقان، از شعرای زن جهان عرب در سال ۱۹۱۷م در شهر نابلس در میان طبیعت زیبای آن شهر و در میان خانواده‌ای اصیل، توانمند، ادیب و وطن‌پرست دیده به جهان گشود. به عقیده برخی از نویسندگان، نسبت او به آل عباس می‌رسد (حنیزی، ۱۰۱/۱).

از شخصیت‌های برجسته خانواده وی در عرصه علم و ادب، برادرش، ابراهیم طوقان، از طلایه‌داران شعر معاصر فلسطین و از شاعران انقلابی دهه سی و چهل قرن گذشته فلسطین می‌باشد. وی که در سال ۱۹۴۱م در سن ۳۶ سالگی دارفانی را

وداع گفت، از جمله کسانی است که فدوی، تمام زندگی اجتماعی، فرهنگی و ادبی خود را مدیون اوست (شراه، ۸).

فدوی در خانه‌ای پرورش یافت که نظارت شدیدی بر اوضاع و احوال آن حاکم بود؛ خانه‌ای بزرگ و قدیمی که خانواده‌اش از اجدادشان به ارث برده بودند؛ خانواده‌ای که در آن مرد سالاری حاکم بود و زن در چهار دیواری آن زندانی و از هر گونه آزادی و استقلال، بی بهره بود. فدوی از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸ م. در دو مدرسه ابتدایی فاطمیّه و عایشیّه در شهر نابلس به تحصیل مشغول بود. در سال ۱۹۲۸ م. در سن یازده سالگی پس از به پایان بردن تحصیلات ابتدایی به دلیل شرایط موجود آن زمان و فضای زندگی اجتماعی، دیگر نتوانست به مدرسه برود. بنابراین به تشویق برادرش، ابراهیم که از همان ابتدا به استعداد و توان فطری و علاقه‌اش به ادبیات و شعر پی برده بود، به مطالعات آزاد به ویژه مطالعه کتابهای ادبی روی آورد. وی در سال ۱۹۶۲ م. برای افزودن معلومات و تجربه‌های خود به کمک پسر عمویش «فاروق طوقان» که در دانشگاه آکسفورد تحصیل می‌کرد به انگلستان مسافرت کرد و تا سال ۱۹۷۴ م. در آن کشور، مشغول به تحصیل در رشته انگلیسی بود. پس از آن به شهر خود، نابلس برگشت و تحت نظارت برادرش به ادامه فعالیت ادبی پرداخت (کاسل، ۸۴۸/۲ و ۸۴۹).

فدوی طوقان که برای مدتی عضو هیأت امنای دانشگاه «التجاج» در نابلس بود و در شماری از جشنواره‌ها و همایش‌های عربی و خارجی شرکت کرده بود، به جوایز ادبی بسیاری دست یافت: جایزه «زیتون نقره‌ای در فرهنگ حوزه دریای مدیترانه (ایتالیا ۱۹۷۸ م.)»، جایزه سالانه «گل بابونه» در شعر از سوی انجمن نویسندگان اردن (۱۹۸۳ م.)، نشان قدس از سوی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (۱۹۹۰ م.)، جایزه جشنواره جهانی نویسندگان زن معاصر (ایتالیا ۱۹۹۲ م.)، جایزه بین‌المللی «کافایس» در شعر (قاهره؛ ۱۹۹۶ م.)، جایزه «سالیرنو» در شعر (ایتالیا) و جایزه سپر طلایه‌داری شعر (اردن). (جیوسی، ۳۲۶/۱) سرانجام، فدوی در روز جمعه،

۱۲ دسامبر سال ۲۰۰۳م، در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان نابلس بر اثر سکته قلبی درگذشت.

آثار فدوی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یکی آثار شعری و دیگری آثار نثری و علمی. آثار نوع اول، شامل مجموعه‌های مختلف شعری است که در آغاز به صورت جداگانه به چاپ رسیدند سپس در یک کتاب با عنوان: «دیوان فدوی طوقان» چندین بار توسط مؤسسه انتشاراتی دارالعودة بیروت، تجدید چاپ شده است و یک بار هم به همراه یک مجموعه جدید در کتابی تحت عنوان «الأعمال الشعرية الكاملة» توسط المؤسسة العربية للدراسات والنشر بیروت در سال ۱۹۹۳م. منتشر شد. از دیگر آثار شعری شاعر، دو دیوان به چاپ نرسیده به نام‌های: «ینبوع الألم» (چشمه سارِ درد) که شامل اشعاری در رثای برادرش ابراهیم و قصایدی درباره اوضاع فلسطین و «اشواق الحیاة» (شوقهای زندگی) که مجموعه‌ای از اشعار عاطفی و فکری است. (سوافیری، ۱۶۸) اما در مورد آثار علمی وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- «أخى ابراهیم» که در مورد زندگی و خاطرات ابراهیم طوقان است؛
- ۲- «رحلة جبلية رحلة صعبة» (سفر کوهستانی سفری دشوار) این کتاب با مقدمه‌ای از سمیح قاسم، درباره زندگی‌نامه شاعر است.
- ۳- «الرحلة الأصعب» (سفر دشوارتر) این کتاب، جزء دوم زندگی‌نامه شاعر است که در آن به شرح حال زندگی خود و مردمش طی سالهای اشغال می‌پردازد (جیوسی، ۳۲۶/۱)

شخصیت ادبی؛

فدوی در اواخر پاییز سال ۱۹۳۹م. به وسیله برادرش ابراهیم وارد دنیای زیبا و تازه‌ای از شعر شد که دوری از خانواده و قوانین و مقررات سخت و طاقت فرسای آن، بر زیبایی آن می‌افزود. (طوقان، رحلة جبلية، ص ۱۲۰) فدوی، سرودن شعر را با گرایش

رمانتیک و در قالب اوزان سنتی آغاز کرد و مهارت خود را در آن به اثبات رساند. سپس در همان مراحل نخست به شعر آزاد گروید. وی در شهرت شاعری، همتای هموطنش، «سلمی خضراء جیوسی» - که به تعبیر دکتر شفیع کدکنی هر دو از بهترین شاعران زن عرب هستند (شبعی کدکنی، ۲۰۶) - و «نازک الملائکه» در عراق است. فدوی پیش کسوت شاعران پر آوازه فلسطین و مورد احترام خاص آنان است و کسانی همچون محمود درویش و سمیح قاسم به او نگاهی مادرانه دارند و شعرهایی رابه او تقدیم کرده‌اند (بیدج، ۱۳).

فدوی در اغراض و فنون مختلف، شعر سروده است ولی بیشتر آنها نچوهای روح، احساس‌های دل، مناجات با طبیعت، آرمیدن در آغوش آن و زبان به درد و رنج گشودن است. او شاعری رمانتیک و درون‌گراست که در بیشتر قصایدش به دنبال فرار از واقعیت است. (سوافیری، ۱۷) فدوی، محصول «مکتب آپولو» می‌باشد؛ یعنی، نتیجه جریان ادبی که توصیفگر مکتب رمانتیسم مصر بوده است.

گرایش رمانتیسم فدوی در چکامه «نداء الارض» (فریاد سرزمین) از دفتر شعری «وجدتها» (یافتمش) به اوج خود می‌رسد؛ آن جا که می‌گوید:

تَمَثَّلْ أَرْضاً نَمَّتْهُ وَ عَدَّتْهُ مِنْ صَدْرِهَا الشَّرَّ شَيْخاً وَ طِفْلاً
وَ لَاحَ لَهُ شَجَرُ الْبُرْتَقَالِ وَ هُوَ يَرْفُ عَابِراً وَ ضِلَّالاً
وَ هَاجَتْ بِهِ فِكْرَةٌ كَالْعَوَاصِفِ لَانْتَفَرُّ تَوَاكِبُ
أَتَغْصَبُ أَرْضِي؟ أَيْسَلَبُ حَقِّي وَ أَبْقَى أَنَا حَلِيفَ التَّشْرِيدِ أَصْحَبُ ذَلَّةَ عَارِي هَنَا
(طوقان، الاعمال الشعرية الكاملة، ۱۲۰)

او سرزمینی را به یاد آورد که از سینه پربارش در کودکی و پیری غذایش داده و بزرگش کرده است.

و درختان پرتقال که با هر تکان، عطر افشانی می‌کردند و به هر سو سایه می‌گستر دانی‌دند، در برابرش پدیدار شد.

و ناگهان اندیشه‌ای چون طوفان‌های بی قرار که با آن رویاها و تصاویر هم‌راه

می شد او را به هیجان آورد که:

آیا سرزمین من به زور گرفته می شود؟ آیا حق من پایمال می گردد؟ و من در اینجا هم پیمان آوارگی می مانم و همراه خواری ننگ در اینجا می زیم.

شعری جوشش درونی و فطری اوست. خردش در این مورد می گوید: نمی توانم به طور مشخص بیان کنم که چه عواملی در من اثرگذار بوده است؛ اما می توانم ادعا کنم که در ابتدا میراث فرهنگی عرب، سرچشمه اصلی و آبخور اولیه من بوده است و به دنبال آن از افکار شاعران رمانتیسم در شرق و غرب بهره گرفته ام در این راه در دهه چهل، شعر «ایلیا ابوماضی» تأثیر فراوانی بر من گذاشت که پس از آن به پیگیری آثار شعرای مهجر و مکتب آپولو پرداختم تا توانستم شاهراه حرکت خویش را بیابم و در آن گام بردارم. (ناکر، ۲۱) شخصیت ادبی فدوی زمانی به قله بلند شهرت و عزت رسید که به صف شعرای مقاومت پیوست؛ شعری که از زمان ها پیش در داخل اسرائیل شعری می گفتند و بدین وسیله، اعتراض خود را بر ضد حکومت اسرائیل بیان می کردند. وقتی برای بار دوم دید که سرزمینش قربانی اشغال صهیونیست ها گشته، در دفاع از ملت و حقوق پایمال شده آنان، طنین چکامه های آتشین خود را بلندتر و شدیدتر کرد. تا با شراره هایی از جنس پیکار، پایداری، ایمان و توان مردم را نگهدارد (جبرسی، موسوعه، ۴۹/۱).

گرایش های شعری فدوی طوقان و عوامل مؤثر بر آن:

فدوی طوقان از جمله شعری است که توانسته است در موضوعات گوناگون به سبک سنتی و جدید، شعر سراید. زندگی شعری شاعر را می توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره اول که شعر آن به تأثیرپذیری از مکتب رمانتیسم و شعرای مهجر، بیشتر عاشقانه، احساسی و برخاسته از دردهای درون است؛ دوره دوم که به خاطر به وجود آمدن حوادث دردناک فلسطین، شعر شاعر با موضوعات اجتماعی همراه می شود. به ویژه پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷م. و شکست سخت اعراب در برابر

صهیونیست‌ها، فدوی با سرودن اشعاری انقلابی و رزمی، به صف شعرای مقاومت، مانند محمود درویش، سمیح قاسم، توفیق زیاد، ابراهیم طوقان و دیگران پیوست و از آن پس اشعارش نه از برای غم‌های شخصی و درونی بلکه برای غم‌های ملتی بود که نخست از شهر و دیار، تار و مار و آنگاه در بازار سیاست‌های عربی به داد و ستد گذاشته شده بود.

فدوی از دفتر «اللیل و الفرسان» به دلیل دگرگونی شرایط و اوضاع و توسعه‌طلبی‌های آشکار صهیونیست‌ها بعد از جنگ ۱۹۶۷ م. احساسات خصوصی و عاطفه جوشان خود را از خود به وطن و احساسات ملی و از اندیشه فردی به اندیشه‌ای اجتماعی سوق داد و در تمام سروده‌ها از اشغال سرزمین نیاکان و قربانی شدن مردمان بی دفاع و بی پناه و مقاومت دلیران و رشادت‌های آنان سخن می‌راند. به همین خاطر فدوی در نظر «سلمی خضرا جیوسی»، الهه دو موهبت عشق و رنج بود؛ زنی که خاطرات مردمش را حفظ و آرزوهایش را بیان کرد.

صلاح عبدالصبور (۱۹۳۱-۱۹۸۱ م.) شاعر و منتقد مشهور مصری در تحلیل شعرهای فدوی نوشته است؛ «در سروده‌های فدوی طوقان، احساس عمیق جای تفکر عمیق را گرفته است» (عبدالصبور، ۳۵).

از آغاز شاعری فدوی تا زمان وفاتش (۲۰۰۳ م.)، عوامل زیادی بر شعر او اثر گذاشته است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

- ۱- زندگی در محیطی سرسبز با منظره‌های زیبا و دل‌انگیز در دامنه دو کوه «جرزیم» و «عبال» که پوشیده از درختچه‌های زیتون بود؛
- ۲- پرورش یافتن در خاندانی بزرگ از اهل فرهنگ و علم و ادب؛
- ۳- داشتن معلمی فرهیخته چون برادرش، ابراهیم طوقان که پس از کشف استعداد و هنر وی، راه علم و دانش را برایش هموار نمود؛
- ۴- بی‌توجهی و بی‌مهری اعضای خانواده نسبت به او، احساس تنهایی، قیام بر ضد عادت‌ها و تقلیدها و اشتیاق فراوان به سرباز کردن روح لطیف و تشنه خود در

افق‌های بلند؟

۵- از دست دادن برادر و معلمش، سپس در گذشت پدر و بعد، برادر دیگرش «نمر طوفان»، استاد برجسته دانشگاه آمریکایی بیروت در سانحه سقوط هواپیما در سال ۱۹۳۶ م.

۶- درون‌گرایی و انزواطلبی شاعر در زندگی که او را از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور در محافل، بازداشته و ناگزیر، رنگ تنهایی را به اشعارش افزوده است؟

۷- شکست و ناکامی در عشق که سبب شد هرگز ازدواج نکند؟

۸- برآشفته شدن شاعر در اثر فاجعه دردناک ملت فلسطین؟

در این زمینه او یکی از چند میلیون انسانی است که شاهد هزار پاره شدن میهن و سپس کوچ، عزلت، آوارگی و گرسنگی خود و هموطنانش بود. این فاجعه، شاعر حساس ما را با غم و اندوهی جاودانه همراه کرد که در تمامی شعرهایش جلوه‌گر است.

۹- تأثیرپذیری از مکتب رمانتیسم و به ویژه شعرای مهجر که سبب شد شعرش از آبشخور احساسات و تخیلات بهره‌مند گردد و به موضوعاتی چون عشق، هجران، طبیعت، اندوه و حسرت و... بپردازد؟

۱۰- آشنایی با کشورها و حکومت‌های مختلف از طریق سفرهای فراوان به سرزمین‌های آسیایی، آفریقایی و اروپایی و حضور در کنفرانس‌های ادبی و جشن‌های شعر و ادب؟

افزون بر آنچه که تاکنون آورده‌ایم، مهمترین ویژگی‌های شعر فدوی را می‌توان اینگونه برشمرد:

الف) تأثیرپذیری و اقتباس از قرآن کریم^۱: فدوی طوفان هم مانند بسیاری از

۱- این موضوع یکی از موضوعات مهم و دامنه‌دار دیوان فدوی به شمار می‌رود که می‌تواند به عنوان

شعرای دیگر به خوبی توانسته است اشعار خود را به زیور الفاظ و مضامین قرآنی بیاراید و زیبایی اشعار خود را دو چندان کند؛

فدوی در اشعار خود به سه صورت از آیات قرآنی و مضامین فرقانی بهره گرفته است:

۱- اقتباس از معانی قرآن ۲- اقتباس از الفاظ قرآن ۳- اقتباس از تصاویر قرآن
اینک به چند نمونه از این اقتباس‌ها در اشعار وی اشاره می‌کنیم:

- اقتباس از معانی:

شاعر در عبارت زیر از معنای آیه «والتَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ» (سوره نجم، آیه ۱) استفاده کرده است؛

والتَّجْمُ أهوت هویاً	مانند ستاره افول کرد؛
بأی احتدام و عنف	چه سخت و شدید

(فدوی طوفان، الاعمال الشعرية الكاملة، قصيدة «لماذا»، ص ۳۲۷)

در عبارت زیر از معنای آیه «واستعينوا بالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَ...» (سوره بقره، آیه ۴۵) اقتباس کرده است؛

فاستمسکوا بالصبر والایمان	به صبر و ایمان متوسل شوید
واحمدوا	و (خدا را) ستایش کنید.

(همان، قصیده «امام الباب المغلق»، ص ۲۳۵)

و نیز در عبارت زیر از معنای آیه «و هزی الیک بجذع النخلة تسقط علیک رطبا»

(ادامه باورفی) موضوعی جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. نگارنده این سطور که مدت دو سال، توفیق مطالعه دیوان فدوی را داشته، مواردی از تأثیرپذیری شاعر از مضامین و الفاظ قرآنی را جمع‌آوری نموده که ذکر همه آنها از حوصله این بحث، خارج است. بنابراین به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده شده است.

افق‌های بلند؟

۵- از دست دادن برادر و معلمش، سپس درگذشت پدر و بعد، برادر دیگرش «نمر طوقان»، استاد برجسته دانشگاه آمریکایی بیروت در سانحه سقوط هواپیما در سال ۱۹۳۶ م.

۶- درون‌گرایی و انزواطلبی شاعر در زندگی که او را از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور در محافل، بازداشته و ناگزیر، رنگ تنهایی را به اشعارش افزوده است؟

۷- شکست و ناکامی در عشق که سبب شد هرگز ازدواج نکند؟

۸- برآشفته شدن شاعر در اثر فاجعه دردناک ملت فلسطین؟

در این زمینه او یکی از چند میلیون انسانی است که شاهد هزار پاره شدن میهن و سپس کوچ، عزلت، آوارگی و گرسنگی خود و هموطنانش بود. این فاجعه، شاعر حساس ما را با غم و اندوهی جاودانه همراه کرد که در تمامی شعرهایش جلوه‌گر است.

۹- تأثیرپذیری از مکتب رمانتیسم و به ویژه شعرای مهجر که سبب شد شعرش از آبشخور احساسات و تخیلات بهره‌مند گردد و به موضوعاتی چون عشق، هجران، طبیعت، اندوه و حسرت و... پردازد؟

۱۰- آشنایی با کشورها و حکومت‌های مختلف از طریق سفرهای فراوان به سرزمین‌های آسیایی، آفریقایی و اروپایی و حضور در کنفرانس‌های ادبی و جشن‌های شعر و ادب؟

افزون بر آنچه که تاکنون آورده‌ایم، مهمترین ویژگی‌های شعر فدوی را می‌توان اینگونه برشمرد:

الف) تأثیرپذیری و اقتباس از قرآن کریم^۱: فدوی طوقان هم مانند بسیاری از

۱- این موضوع یکی از موضوعات مهم و دامنه‌دار دیوان فدوی به شمار می‌رود که می‌تواند به عنوان

شعرای دیگر به خوبی توانسته است اشعار خود را به زیور الفاظ و مضامین قرآنی بیاراید و زیبایی اشعار خود را دو چندان کند؛
فدوی در اشعار خود به سه صورت از آیات قرآنی و مضامین فرقانی بهره گرفته است:

۱- اقتباس از معانی قرآن ۲- اقتباس از الفاظ قرآن ۳- اقتباس از تصاویر قرآن
اینک به چند نمونه از این اقتباس‌ها در اشعار وی اشاره می‌کنیم:

- اقتباس از معانی:

شاعر در عبارت زیر از معنای آیه «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (سوره نجم، آیه ۱) استفاده کرده است؛

وَالنَّجْمِ أَهْوَتْ هَوِيًّا	مانند ستاره افول کرد؛
بأى احتدام و عنف	چه سخت و شدید

(فدوی طوقان، الأعمال الشعرية الكاملة، فصيحة «لماذا»، ص ۳۲۷)

در عبارت زیر از معنای آیه «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» (سوره بقره، آیه ۴۵) اقتباس کرده است؛

فاستمسكوا بالصبر و الايمان	به صبر و ايمان متوسل شويد
واحمدوا	و (خدا را) ستايش كنيد.

(همان، فصيحة «امام الباب المغلق»، ص ۲۳۵)

و نیز در عبارت زیر از معنای آیه «و هزى اليك بجذع النخلة تسقط عليك رطباً

(ادامه باورفی) موضوعی جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. نگارنده این سطور که مدت دو سال، توفیق مطالعه دیوان فدوی را داشته، مواردی از تأثیرپذیری شاعر از مضامین و الفاظ قرآنی را جمع‌آوری نموده که ذکر همه آنها از حوصله این بحث، خارج است. بنابراین به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده شده است.

جنیا (سوره مریم، آیه ۲۵) (و این تنه درخت را به سوی خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو می‌ریزد) اقتباس کرده است؛

یرو، یهتز، یساقط من حولی رطباً

بزرگ می‌شود، می‌جنبد و خرمایی تازه در اطرافم فرو می‌افکند. (همان، قصیده «امام

الباب المغلق»، ص ۳۳۹)

- اقتباس از الفاظ:

شاعر در عبارت‌های زیر، لفظ «جحیم» را از آیه «إنا أرسلناك بالحق بشيراً و نذيراً و لاتسأل عن أصحاب الجحیم» (سوره بقره، آیه ۱۱۹) و لفظ «مفرّ» را از آیه «يقول الانسان يومئذ أين المفرّ» (سوره قیامت، آیه ۱۰) گرفته است؛

أواه یا قلباً یکابد الجحیم و القدر و لا مفرّ (همان، قصیده «حصار»، ص ۳۳۰).

آه از قلبی که جهنم و سرنوشت را تجمل می‌کند و هیچ گریزگاهی ندارد.

أین المفرّ، قبور لاقرارلها (همان، قصیده «قصیده من سلمی»، ص ۳۳۳).

گریزگاه کجاست، آنها قبرهایی ناآرام هستند.

یا در عبارت زیر، واژه «لاتأس» را از آیه «فلا تأس علی القوم الفاسقین» (سوره مائده،

آیه ۲۶) آورده است:

لاتأس، لایحزنک أن درینا ناراحت نشو، تو را ناراحت نکند

أضاعنا قبل الوصل اینکه راهمان قبل از رسیدن، گممان کرده است.

(همان، قصیده «عند مفترق الطرق»، ص ۳۵۶)

- اقتباس از تصاویر:

فدوی در یکی از قصاید خود از تصویر داستان حضرت نوح در آیه «و نادى نوح

ابنه وکان فی معزل یا بنی اركب معنا و لاتکن مع الکفارین» (سوره هود، آیه ۴۲)

اقتباس کرده است؛ آنجا که می‌گوید:

نادیت مرکبها الغادی فما عرفت

کشتی صبح هنگام او را صدا زدم
صوتی، و واجهت مسراها فلم ترنی
صدایم را نشناخت، و به منزلگاه شبانه اش رفتم مرا ندید. (همان، قصیده «قصیده من
سلمی»، ص ۳۳۳)

ب) تضمین از اشعار شاعران یا عبارات‌های غیر عربی و یا جمله‌ای طولانی از نثر:
یکی از ویژگی‌های بارز فدوی که نشان از هوش و مطالعه فراوان او دارد، استفاده
از صنعت تضمین است. به عنوان نمونه، شاعر مصرع دوم بیت:

کان هناک جمع البوم و الاشباح در آنجا جغد و اشباح، جمع بودند
غریب الوجه و الید و اللسان و کان با رخساری، دست و زبانی بیگانه
(همان، قصیده «لن أبکی»، ص ۳۹۵)

را از شعر متن‌بی تضمین کرده است؛ آنجا که گفته:

مغانی الشعب طیبا المغانی بمنزلة الربیع من الزمان
ولکن الفتی العزبی فیها غریب الوجه و الید و اللسان
(البرفوقی، ج ۱، ص ۱۲۰۵)

- خانه‌های درّه (بوان در شیراز) از نظر خوبی آب و هوا نسبت به خانه‌های دیگر
به منزله فصل بهار در برابر فصل‌های دیگر است.
- اما جوانمرد عرب (یعنی خود شاعر) در آنجا چهره، دست و زبانش بیگانه
است.

نمونه تضمین جمله‌های طولانی از نثر یا عبارات‌های غیر عربی را می‌توان در
قصیده «کوابیس اللیل و النهار» مشاهده کرد.

شاعر در این قصیده در ضمن سطرهای شعری اش، عبارات‌هایی از اخبار
روزنامه‌ها، یا عبارات‌هایی به زبان محلی، انگلیسی و دیگر زبان‌ها آورده است:
فی صحف القدس الیومیة أرمی عینی

أقرأ خيراً كالأخبار:

«بيت لحم - فوجیء المزارعون فی خربة بيت

سكاريا بمجموعه من الجرافات»

و بنو عبس طعنوا ظهري

فی ليلة غدر ظلماء

افتح إت هاد يليت!

إفتح باب!

Open The Door !

Ouvre La Porte !

(همان، ص ۴۵۳ و ۴۵۴)

ج) استفاده از دو صنعت: تلمیح^۱ و مزاجه^۲؛

فدوی گاه برای بیدار کردن همّت و غیرت عربی در دل دولتمردان عرب، دست به دامن حوادث تاریخی می آویزد. نمونه آن را می توان در قصیده: «آهات أمام شبّاک النَّصاریح» (آه هایی روبروی باجه بازرسی) به وضوح مشاهده نمود. آنجا که می گوید:

۱- تلمیح، یعنی اینکه شاعر در شعر خود به ضرب المثل یا شعری نادر یا داستانی مشهور اشاره کند؛ بدون اینکه آن را بیاورد؛ مانند این بیت شاعر:

المستغیث بعمرو عند كربته

كالمستغیث من الرمضاء بالنار

«کسی که به وقت سختی و رنج به عمرو پناه می آورد؛ مانند کسی است که از گرمای کشنده به آتش پناه می برد» (مطلوب، ذیل واژه تلمیح)

۲- مزاجه یا تزاج، آن است که شاعر یا گوینده، دو معنی در شرط و جزا را یک جور بیاورد؛ یعنی، معنایی را که در شرط آورده، در جزا نیز بیاورد؛ مانند:

إذا مانهی النَّاهی فلیح بی الهی

أصاحت الی الواشی فلیح بها الهجر

زمانی که نهی کننده از عشق به آن محبوب، مرا نهی می کند، عشق در من، لجاجت می کند. آن محبوب به سخن سخن چین گوش فرا می دهد، پس دوری از من در او لجاجت می ورزد. (همان، ذیل واژه «تزاج».)

آه و امعتصماه!
 آه، ای معتصم
 آه یا ثار العشیره
 آه، آی انتقامجوی قبیله!
 کل ما أملك اليوم انتظار... تمام دارایی ام امروز،
 چشم انتظاری است

ما الذی قص جناح الوقت؟
 چه چیزی بال زمان را چیده است؟
 من كسح أقدام الظهيرة؟
 چه کسی پای ظهر را بریده است؟
 یجلد القیظ جبینی
 گرما بر پیشانیم تازیانه می زند.
 لیت للبراق عیناً
 کاش براق چشمی داشت که...
 آه یا ذل الاسارا
 آه از ذلت اسارت!

(همان، ص ۴۰۸)

این قصیده، تلمیحی است به دو ماجرای تاریخی؛ یکی ماجرای فتح عموریه توسط معتصم عباسی که خلیفه با شنیدن فریاد «آه و امعتصاه!» از زنی عرب که در هجوم سپاه روم به این شهر (عموریه) فریاد استعانه بر آورده بود، کمر به فتح عموریه بست. شاعر با این بیان، خواسته تا فریاد استغاثه را از زبان دختران وطن خود به گوش دولتمردان عرب برساند و غیرت و غرور آنان را برانگیزد. دیگری ماجرای دختری عرب، موسوم به لیلی عقیفه است که در راه انتقال به قبیله همسرش به اسارت ایرانیان درآمد و در اسارت، از پسر عمویش «براق بن روحان» درخواست فریادرسی نمود.

لیت للبراق عیناً فتری
 ما ألقى من بلاء و عنا
 چون فریاد او به براق رسید، با جماعتی از مردان به یاریش شتافت و چندان به جنگ و نیرنگ متوسل شد تا او را رهانید.

برای صنعت مزاجه نیز می توان به دو بیت زیر اشاره کرد:

لو ترانی و الهوی بصرخ فی روحی الاسیر
 و انا اشدو بأشعارک فی اللیل الکبیر

أنت روح طائر... یشدو علی کل الغصون'
یرتوی من خمرة الحب، و من نبع الفتون

(همان، قصیده «الصدی الباکي»، ص ۶۳)

- اگر مرا می بینی که عشق در روح اسیرم فریاد بر می آورد
- و من در شب بزرگ، اشعار تو را می خوانم،
- ولی تو روحی پرنده هستی که بر روی شاخه ها آواز می خواند
- و از می عشق و از سرچشمه فریفتگی، سیراب می شود.

د) همراهی با صور خیال؛

فدوی به شهادت اشعار سراسر دل انگیز و شورانگیزش، در زمره شعرائی است که تراوشات خیال خود را که از زندگی عامه مردم سرچشمه گرفته، در بازگویی نابسامانی ها و دردهای مردم به کار می برد. خیال پردازی در شعر وی، واقع گرایانه، هدایت کننده و راهنما به جانب حقایق زندگی است؛ زیرا او فردی است با سلامت نفس و اصالت شخصیت، نکته سنج، حقیقت بین و عاشق.

گفتار فدوی و تشبیهات، استعارات، کنایات و به طور کلی خیال پردازی های وی تحت تأثیر طرز فکر و اطمینان قلبی اش، محکم، واقعی و بازگو کننده احساساتی پاک و برخاسته از ضمیر بی آرایش اوست.

۱- ملکه خیال، نیروی گریزناپذیر هر ادیبی است که در ادبیات، جایگاهی مهم و ارزنده دارد. همه انواع ادبی برای زیبایی و حرکت پویایی نیاز به صور خیال دارند. هر چه موضوع ادبی وسیعتر باشد، نیازش به خیال بیشتر است. در میان انواع ادبی، شعر و داستان به خیال نیازمندترند. خیال، رابطه ای قوی و عمیق با عاطفه دارد بنابراین عاطفه قوی، خیالی قوی می طلبد. در هر شعری، عنصر خیال، نقشی مؤثر و حیاتی دارد به طوری که اگر از هر شعر نیکو و دل انگیزی، جنبه خیالی آن را برگیریم، جز سخنی ساده و عادی و بی پیرایه که از زبان همگان، قابل شنیدن است، چیزی نمی ماند (عتیق، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

شاعر در قصیده «حین تنهمر الأنباء السیئة» (وقتی خبرهای بد سرازیر می‌شوند)، چه زیبا می‌سراید و خیال خویش را وسیله انتقال کلمات زیبا و گوش نواز به خواننده قرار می‌دهد:

باد در درّه‌ها گیسوان دود را می‌بافد.	الرّیح تجدل الدّخان فی الأغوار
و در کوچه‌های شب و طوفان	و فی دروب اللّیل و الإعصار
صخره‌ها و سنگ‌ها سرازیر می‌شوند	تنهمر الصّخور و الأحجار
خاکستر اندود	سوداء بالرّماد
دود اندود	سوداء بالدّخان
	فلتنهمر کما تشاء هذه الصّخور

پس باید این صخره‌ها آنطور که می‌خواهند سرازیر شوند
و لتنهمر کما تشاء هذه الأحجار
پس باید این سنگ‌ها آنطور که می‌خواهند سرازیر شوند
فالتنهمر ماض؛ راکض الی مصبه

رود به راهش می‌رود؛ به سوی سرچشمه، روان است	و خلف منحنی الدروب، فی -
و در پس پشت کوچه‌ها،	رحابه المدی
در وسعت بی انتها	ینتظر النّهار
روز، چشم به راه است	من اجلنا ینتظر النّهار
به خاطر ما چشم به راه است	

(همان، ص ۲۲۳)

ه) تکرار واژه‌ها و نقطه‌های پیاپی؛

این ویژگی به عنوان یکی از پدیده‌های شعر معاصر عرب، در شعر شعرای معاصر به وفور یافت می‌شود. شعرای معاصر، تکرار را برای تأکید و نقطه‌ها را برای جلوگیری از عطف‌های پیاپی به کار می‌گیرند که این کاربرد، نشان دهنده فایده این

پدیده است. اما گاه نقطه‌ها نصف قصیده یا نصف دیوان را به خود اختصاص می‌دهند؛ یعنی، پس از یک سطر شعری یک کلمه‌ای یا دو کلمه‌ای در یک قصیده، نقطه شروع می‌شود و تا آنجا که چشم می‌بیند، امتداد می‌یابد که البته انگیزه و فایده این کار، هنوز معلوم نشده است. شیوع این مسأله در شعر معاصر به اندازه‌ای است که برخی ناقدان را بر آن داشته تا شعر جدید را «شعر نقطه‌ها» نام نهند (طبان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶)

این ویژگی در شعر فدوی طوقان هم فراوان دیده می‌شود. نمونه تکرار را می‌توان در قصیده «طاعون» مشاهده کرد آنجا که می‌گوید:

هَبِّي و سَوْقِي نَحُونَا السَّحَابِ	ای بادها! بوزید و
يَا رِيحَ	ابرها را به سوی ما برانید
و لَتَنْزِلِ الْأَمْطَارَا!	و باید باران بیارد!
و لَتَنْزِلِ الْأَمْطَارَا!	و باید باران بیارد!
و لَتَنْزِلِ الْأَمْطَارَا!	و باید باران بیارد!

(همان، ص ۳۷۲)

یا در قصیده «الطوفان و الشجرة» وقتی به این عبارت‌ها می‌رسد:

و سَتُورِقُ ضِحَاكُ الشَّجَرَةِ	خنده‌های درخت
فِي وَجْهِ الشَّمْسِ	رو به آفتاب جوانه خواهد زد
و سَيَأْتِي الطَّيْرُ	پرنده خواهد آمد
لَا بَدَّ سَيَأْتِي الطَّيْرُ	بی گمان پرنده خواهد آمد
سَيَأْتِي الطَّيْرُ	پرنده خواهد آمد
سَيَأْتِي الطَّيْرُ	پرنده خواهد آمد (همان، ص ۳۷۶)

نمونه نقطه‌ها را هم می‌توان در قصیده‌های: إلى الوجه الذي ضاع في التيه (به رخساری گمشده در بیابان)، في المدينة الهرمة (در شهر کهنسال)، نبوءة العرافة (پیشگویی زن طالع بین) و إليهم وراء القضبان (به آنان در پس میله‌های زندان)

مشاهده کرد.

(و) جان بخشیدن یا شخصیت دادن به طبیعت:

این ویژگی به عنوان یک جنبش، دارای سابقه‌ای دیرینه می‌باشد و در شعر بسیاری از شعرا از قدیم و جدید وجود دارد. شاعر این نوع نگرش، طبیعت را موجودی زنده چون انسان می‌پندارد که با آن می‌توان حرف زد، درد دل کرد؛ خندید و گریست. به عبارت دیگر، شاعر با دمیدن روح به کالبد طبیعت، آن را به صورت موجودی زنده به تصویر می‌کشد. نمونه بارز آن را می‌توان در شعر امرؤالقیس (۵۴۰-۵۰۰ م.) شاعر دوره جاهلی مشاهده کرد؛ آنجا که می‌گوید:

«الأعم صباحاً أيها الرّبع فانطق

وحدّث حدیث القوم - إن شئت - فاصدق

(السنانی، ۲۴/۱)

«ای خانه! صبح به خیر، لب به سخن بگشای و درباره قوم، سخن بگو - اگر می‌خواهی - راست بگو.»

برخی شعرا از جمله، ابن خفاجه اندلسی (۱۱۳۷-۱۰۵۸ م.) در کنار روح بخشیدن به طبیعت، تفکر و اندیشیدن را نیز به آن نسبت می‌دهند؛ به عنوان نمونه در توصیف کوه می‌گوید:

«وقور علی ظهر الفلاة كأنه

طوال اللیالی مفکر فی العواقب»

«از پس بیابان با وقار و برقرار است؛ گویی روزگاری است که به فرجام‌ها می‌اندیشد.»

طبیعت در ادبیات معاصر غالباً دارای روح و جان و عقل و اندیشه است؛ به طوری که تپش‌های قلب خود را احساس می‌کند و طنین خوش و موزون خود را می‌شنود. سخن گفتن با رودها، جنگل‌ها، کوه‌ها و درّه‌ها برای ادبیات معاصر عرب،

بسیار شیرین و لذت بخش است. (المقدسی، ص ۱۵۸)

این ویژگی را می توان در اشعار فدوی به ویژه اشعار آغازین او به وفور یافت. شاعر در قصیده «مع سنابل القمح» (با خوشه های گندم) این نکته را به خوبی ثابت کرده است:

- أوت إلى الحقل كطيف كئيب یرسو بعینها أسی غامر
 - فی روحها اللفی اضطراب غریب و قلق مستبهم، حائر
 - غامضة فی عمق أغوارها فیض انفعالات و احساس
 - صیرها شذوذ أطوارها غریبة فی عالم الناس
 - چون رؤیایی غمزده به مزرعه پناه برد در حالیکه اندوهی فراوان بر چشمانش سایه افکنده بود.

- در روح افسرده اش پریشانی ناآشنا و بی قراری نامفهوم و سرگردانی بود.

- معنایی که در ژرفای وجودش، موجی از هیجان و احساس بود.

- رفتار عجیبش او را در بین مردم بیگانه کرده بود.

ز) شعر در قالب سنتی و نو؛

شاعر هم در قالب «القصيدة العمودية» - یعنی، نظام مبتنی بر بیت (دو مصراع) و بحر عروضی ثابت و قافیه یکسان - و هم در قالب «القصيدة الحزّ» - یعنی، نظام مبتنی بر تفعیله - شعر سروده است و در نوع دوم که بیشتر اشعارش را تشکیل می دهد، سطر شعری، تمام مضمون جمله را افاده نمی کند بلکه در بسیاری موارد، ناقص است. سطور شعری او از یک تا شماری تفعیله در نوسان است.

ح) زبان ساده شعری؛

زبان شعرهای فدوی، ساده و عاطفی و دارای رقت زنانه و یا مادرانه است و تمام این ویژگی ها در جامه ای از اندوه و آرزو، مناجات، امید به بازگشت آسایش و

آزادی برای هموطنان و امید به آینده‌ای روشن، نهفته است و در زبان اصلی با آهنگی آرام و حزن‌انگیز همراه است. در جای جای سروده‌ها تا آن جایی که عواطف زنانه اجازه دهند با فدایی‌ها هم صدا می‌شود و سروده‌هایش رنگ حماسه به خود می‌گیرد و آنان را به سر سختی بیشتر فرامی‌خواند. قصیده «أردنیة - فلسطینیة فی إنکلترا» (یک زن فلسطینی - اردنی در انگلستان) نمونه بارز اندوه شاعر است؛ وقتی مخاطب از او می‌پرسد: اهل کجایی؟ و به دلیل چهره‌گندمگون شاعر، فکر می‌کند که شاید اسپانیایی باشد. در پندار این مخاطب، فلسطین یا اردن و نقاط مجاور آن، مناطقی یهودی نشین هستند و جز این طایفه، کسی دیگر در آنجا نیست:

طقس کثیب هوا گرفته است

و سماؤنا ابدأ ضبابیة و آسمان ما همیشه مه آلود

من این؟ اسپانیة؟ اهل کجایی؟ اسپانیا؟

:- کلاً :- نه

أنا من... من الأردن من اهل... اهل اردنم

:- عفواً من الأردن؟ لا أفهم :- ببخشید، گفتید: اردن؟ نمی‌فهم!

:- أنا من روابی القدس :- من از تپه‌های قدسم

وطن السنی و الشمس وطن روشنی و خورشید

:- یا، یا، عرفت، إذن یهودیة... :- یا، یا، فهمیدم، پس یهودی هستی

یا طعنة أهوت علی کبدی و عجب دشنه‌ای بر دلم نشست

صماء و حشیة دشنه‌ای سخت ز وحشتبار (همان، ص ۳۱۲)

همچنین شعر فدوی به متانت لغوی و قالب نیکو و نیز گرایش فراوان به نقل و تفصیل‌گویی و کلام مستقیم و رو در رو ممتاز است. وی در تمرکز پیرامون پرسش‌های مربوط به هستی به طور آشکار از اندیشه‌های تجریدی (مجرد) پرده بر می‌دارد. او در این زمینه بر مقوله‌هایی آماده که از پاره‌ای از قصاید خود می‌سازد، تکیه دارد. این مقوله‌ها، گویی، بیشتر، گنگو‌هایی با اندیشه‌هاست تا به تصویر

کشیدن عواطف و احساسات.

ط) نماد و نمادگرایی؛

فدوی، شاعری نمادگراست. نمادگرایی از مهمترین ویژگی‌های شعری او محسوب می‌شود. او در این زمینه از امور بسیاری چون طبیعت جاندار و بی‌جان، مکان و زمان، میراث عربی و اسلامی، مفاهیم دینی و مذهبی، شخصیت‌های اسطوره‌ای و موارد دیگر، بهره می‌برد.

از جمله در چکامه «لن أبکی» (هرگز نمی‌گیرم)، کلمه «حصان» (اسب) را نماد انقلاب و جنبش و حرکت می‌داند؛ آنجا که می‌گوید:

أحبائي! حصان الشعب جاوز
 كبوة الأمس
 و هبَّ الشَّهْمُ منفضاً وراء النَّهْرِ

یارانم! اسب راهوار ملّت
 از لغزش و خفت دیروز گذشته است

رادمرد آن سوی رود، قد برافراشته و دست به قیام زده است
 أضيخوا، ها حصان الشعب
 يسهل واثق التَّهْمَة
 و يفلت من حصار النَّحْسِ و العتمة

گوش فرا دهید که اسب ملّت
 با صلابت، شبهه سر می‌دهد
 و از بند شرّ و سستی می‌رهد.

(طوفان، الأعمال الشعرية الكاملة، ۳۹۶)

یا در قصیده‌ای دیگر «طوفان آسود» را به عنوان نماد اشغالگران صهیونیستی می‌آورد:

يوم الإعصار الشبطنی طغی و امتدّ

روزی که تندباد اهریمن سرکشید و به درازا کشید
 يوم الطوفان الأسود
 لفظته سواحل همجيّة
 روزی که طوفان سیاه را
 کرانه‌های وحشی به بیرون پرتاب کردند
 للأرض الطيبة الخضراء
 بر سرزمین پاکیزه و سرسبز افکند

هتفوا، و مضت عبر الأجواء الغریبة

فریاد شادی برآوردند و از آن به سوی آسمانهای غربی گذشت

نتیجه:

۱- فدوی طوقان از جمله شعرایی است که هم در قالب شعر سنتی و هم در قالب شعر نو دارای اشعاری کم نظیر است که عاطفه سوزناک و جوشان شاعر در آن موج می زند.

۲- اشعار فدوی طوقان با دو گرایش رمانتیک و سمبولیک، تپش های کوبنده قلبی عاشق است که با روحی مالا مال از غم و اندوه و امید به آینده ای روشن، از حال خسته و غم زده خود و هزاران انسان ستم دیده پرده بر می دارد.

۳- اشعار فدوی طوقان چون شراره هایی آتشین در دل شیر مردان فلسطینی آتشی بر پا می کند که هولناک ترین حوادث، قادر به فرو نشاندن آن نمی باشد. این اشعار، روح غیرت، همت، وطن پرستی و پایداری را در وجود هموطنان شاعر، زنده می کند و آنان را برای مبارزه ای سخت در برابر دشمنان سرسخت فرا می خواند.

منابع:

* قرآن کریم.

۱- برقوقی، عبدالرحمن، دیوان اَبی الطیب المتنبی، شركة دار الأرقم للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.

۲- بستانی، فؤاد افرام، المجانی الحدیثة، المطبعة الکاتولیکية، بیروت، بی تا.

۳- بیدج موسی، جشواره اندوه، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۴- جیوسی، سلمی الخضراء، موسوعة الأدب الفلسطینی المعاصر، دارالفارس للنشر و التوزیع، عمان، الطبعة الأولى، ۱۹۹۷ م.

۵- خنیزی، محمد سعید الشیخ علی، الشعر و دوره فی الحیاة، الطبعة الأولى، مؤسسة البلاغ،

بيروت، بی تا.

- ٤- سوافيري، كامل، الأدب العربي المعاصر في فلسطين، دارالمعارف، قاهره، بی تا.
- ٧- شاكر، تهاني عبدالفتاح، السيرة الذاتية في الأدب العربي، "مؤسسة العربية للدراسات و النشر، بيروت، الطبعة الأولى، ٢٠٠٢م.
- ٨- شراره، عبداللطيف؛ ابراهيم طوقان دراسة تحليلية، دار صادر و دار بيروت، بيروت، ١٩٦٤م.
- ٩- شفيقي كدكني، محمدرضا، شعر معاصر عرب، طوس، ١٣٥٩هـ.ش.
- ١٠- طبانه، بدوي، التيارات المعاصرة في النقد الأدبي، دارالثقاف، بيروت، ١٩٨٥م.
- ١١- طوقان، فدوى، الأعمال الشعرية الكاملة، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، الطبعة الأولى، ١٩٩٣م.
- ١٢- طوقان، فدوى، ديوان، دارالعودة، بيروت، ٢٠٠٠م.
- ١٣- طوقان، فدوى، رحلة جبليّة رحلة صعبة، دارالشروق للنشر و التوزيع، اردن، الطبعة الثالثة، ١٩٨٨م.
- ١٤- عبدالصبور، صلاح، ادب المقاومة، مجلة الآداب، العدد التاسع، السنة العاشرة، بيروت، ايلول (سبتمبر)، ١٩٦٢م.
- ١٥- عتيق، عبدالعزيز، في النقد الأدبي، دارالنهضة العربيّة، بيروت، الطبعة الثانية، ١٩٧٢م.
- ١٦- كامبل، روبرت ب، أعلام الأدب العربي، مطابع الشركة المتحدة للتوزيع، بيروت، الطبعة الأولى، ١٩٩٦م.
- ١٧- مطلوب، أحمد، معجم المصطلحات البلاغية، مكتبة لبنان، بيروت، بی تا.
- ١٨- مقدسي، أنيس، الاتجاهات الأدبية في العالم العربي الحديث، دارالعلم للملایين، بيروت، الطبعة الرابعة، ١٩٦٧م.